نقش یک نقطه در قرائت کلمه و تأثیر آن در سوق معنای شعر حافظ

سليم نيساری

چکیده
بعضی کاتبان نسخه‌های خطي دیوان حافظ و ازان جمله کاتبان سده نهم هجری در امر کتابت به سیب شیاری با یک همیلتون، نقطه درقالب کلمه، در مید نقطه در چای صحیح این نشان کرده‌اند. یا این یک قطرته از قلم انداخته‌اند.

برای مصحح دیوان حافظ بطوریه هنگام استفاده به ضبط نسخه‌های خطی این اشکال پیش می‌آید که کلمه‌ای را که فرضی نقطه حرف اول آن سافقت است نه می‌توان در رنگی نسخه‌های منظور کرده‌اند. کتابت گرده‌ای نه جذب شده که این گرده‌ای که آن کلمه در آن نسخه‌های معرف یک فعل می‌گوید است.

در ضمن می‌توانیم که در این مقاله مطرح شده است، مشخص می‌شود که مصححان دیوان حافظ نواسیاند با یکبرش منعی و تفسیری معین از بعضی ابراه حافظ در کتابت این کلمه محل اختلاف نیز به تواقت برخورده و عادت با یک کلمه در دیوان ناحیه‌ای جانبداری از منش یا یک چاب ویژه، مانند آن که بیان است که چنین توانایی ایجاد شود.

کلیدواژه‌ها: حافظ، دیوان، نسخه، نقطه، محدود در یک نقطه خطي

عضو بیسوته فرهنگستان زبان و ادب فارسی

تاریخ دریافت: 91/12/21
تاریخ پذیرش: 92/4/21

فصلنامه زبان و ادبیات فارسی، سال 21، شماره 75، پاییز 1392
همراه نخستین گذشته که نوازون به‌ای یادگیری شکل‌های حروف الفبای فارسی برخی نوازند، مسئله دقت در کاربرد نقطه‌ها هنگام نوشتار حروف الفبای مطرح می‌شود و این الگومча در کاربرد صحیح نقطه‌ها در سال‌های بعد نیز هیچ‌گاه ضرورت و اهمیت خود را از دست نمی‌دهد.

از همان‌زمان‌های گذشته تا سال‌های اخیر، حروف الفبای فارسی به‌طور کلی در مکالمات میزانی نوشته شده و به کاربرد دقیق نقطه‌ها در محل صحیح آن در کلمات می‌باشد. این ساختار آن حفظ نفاذ منجر به بهم‌آمیختن موارد خواندن و نوشتار تا هنگام مختل‌تعداد هشتاد سال پیش قران نامه‌ای را که در دهه‌های اخیر نقطه‌ها به‌کار رفته بود، از جمله‌ای مانند: سوادگان سیاست‌ها و نتیجه‌ها در سال‌های اخیر، شکل کتاب‌ها در تمام دوران بیش از زیادی پیش از روزانه چاپ و مسئولیتی که آن‌ها در ارائه ضبط صحیح می‌توانند، خواهان شرور و خواه نهر، به‌جهت داشتن ایجاب می‌کرد.

که دست‌نویس آنان در ارائه ضبط صحیح یک نوشته از هرگونه نقش و خطا می‌باشد. هر چه بی‌نظر بکارآمد باشد، ناحیه‌ای تحقیق ناهایی می‌باشد. اگرچه محدودیتی که در ارائه افرادی با میزان مسلط به اصول و مبانی تحریر زبان فارسی بودند، در کاری اشتغالی به کتاب‌های متون، خود را به مرحله از جمله‌ای انتخاب می‌دانستند و به‌جهت میزان منوال در کاربرد نقطه‌های حروف نیز دقت کافی رعایت کرده‌اند. چنین پیش دادن که بایستی به‌صورت کتابی در اینجا او به‌دست پیش‌تاریخی می‌باشد، حکم‌های نقطه‌ها و

تکمیل در دیدن نقطه در جایگاه صحیح آن برای بعضی کتاب‌های مورد استفاده. البته مسئله‌های حفظ نقطه در قرآن سبیلی از کلمات فارسی دشواری بیش نمی‌آورد و قرآن صحیح کلیه به بسیار عبارت مشخص می‌گردید. اما مواردی دیگری نیز به‌کار قرار گرفتین نقطه در بالا به‌پایین شکل با حرف در دریافت معنی عبارت تأثیرگذار است؛ مانند قرار گرفتن حرف «ب» در ابتدا فعل. 

زمین و ادبیات فارسی سال ۲۱، شماره ۷۵
نشش یک نقطه در قرآن که متأثر از آن دو سوق معنایی شار حافظ، صص 16-27
در این مقاله، سه نمونه درباره کاربرد همین دو حرف منتایی در آغاز فعل و چگونگی
برخوردار مصحتان دیوان حافظ با این نظرات املا مطروح می شود:

نمونه اول: «چنین حرفتم از دست نشده صرفه کار» یا «از دست بشد...»؟
این بیت معمولی از طریق است که مطلع چنین است:

عاشقم روی همچنین خوشنویسی خودمان
و زداشای این هم به دعا خواسته‌ایم

حافظ در مطلع این غزل از عاشق شدن خود ـ از عاشقی که با غم همراه استـ سخن
می‌گوید، و بر اساس این غزل می‌باشد، این غم با مسیر استقبال می‌گذارد و شادی این غم را به دعا از خدا خواستار می‌شود. در شعر پنجم غزل می‌گوید متن در این سودای عشق مغبون و
زیان کار نیستم و به عبارت دریکر (مازیز) از کلمات متن این بیت) سود و صرفه سودای
عشق از دستم خارج نشده است، زیرا آنچه از دل و چشم کاسته، در مقابل به غم (به آن غم
شادی پیش) افزوده است. این بیت در پیش‌نشان‌های خاطر و نیز در قطعات متن باراچی به
این صورت نقل شده است:

با چنین حرفتم از دست بیش صرفه كار
در غم افزوده آنچه از دل و چشم کاسته‌ام
در گزارش دکتر دکسانی‌ها در غازر‌های حافظ ملاحظه می‌شود که از مجموع 35 نسخه
خطی که این غزل در آن متنی مندرج است، کتابان 22 نسخه «از دست بند» نوشته‌اند.
در ده نسخه خطی سده نهم (که مهم‌تر، صفق صد، پنجم نهم) این بیت «از
دست نشده» ضبط گردیده است. در سه نسخه طور که کد 13 حرک اول بی نقضه است
نیست، (سایر، 1385: 131-132).

بررسی این است که پیام غزل بادشده، که می‌توان عنوان «شادی غم» را برای آن
برگزید، با کدام‌یک از عبارات «از دست بیش صرفه کار» یا «از دست نشده...» سازگاری و
مطابق است؟ در دریای حافظ به تصحیح علامه محمد قربی متن بیت به این صورت نقل
شده است:

با چنین حرفتم از دست بیش صرفه کار
در غم افزوده آنچه از دل و چشم کاسته‌ام
مسمود فرزاد در جریان بررسی اختلاف کلمات در غزل‌های حافظ درباره چنین توضیح
می‌دهد:

متن: «بیش»، ـ: می‌باید «بیش» به مناسبت سیاق معنی مصراً دوم روش است که
اینجا متن «بیش» صحیح است و «نشد» درست معنا می‌شود معنی مطلوب را می‌رساند، ولی
وجب است که این نسخه‌بند در سه نسخه خالی مستقل ضبط شده است (فرزاد، 1349).
مصوبه نیافته و قرآن ؛ دست بشبد را برای متن مصحح خود بدرفته است.

در سال ۱۳۴۸ متنی از دیوان حافظ برای سخن عمومی متعلق به مجلس شورای اکثریت به کتاب دیوان کهنه حافظ منتشر شد. در غزل ۳۲۹ بیت پیشگویه به همان هیئت صاحب و متحول (با چنین خبرتم از دست بشبد) از دو قطعه مصحح دیوان با احساس اعتقاد به اعجاب علیه قروینی (که در این بیت «شش» اورده است) قرآن «شش» مربوط در سخن اساس خود را به هم پیوسته تلقی کرده و حتی آن را ثابت کرده و تصمیم نداده است (افشن، ۱۳۴۸: ۲۸۶).

در دیوان حافظ به تصمیم خانم‌ها ضمن غزل شماره ۲۰۵ که به نسخه عمومی منتشر است‌، برای این بیت قرآن «شش» از متن انتخاب شده و به ترتیب در این قطعه این اثبات می‌شود که در غزل ۹:۲۲ که توسط نفیس کرده است، در غزل چنین خبرتم از دست بشبد صرفاً در چنین بیت است، در غزل اصلی قطعه که به نام «شش» بیان شده است و با اساتید به نام «شش» با کمک قرآن و این بیت ایجاد می‌شود. در کتاب غزل‌های حافظ بر اساس جمله و به نسخه عمومی سه نفر برای نخستین بار در بیت ۳۲۸ قرآن به نشانه‌ای است که چنین اثباتی در دیوان حافظ به نام «شش» قرآن محتوی می‌باشد.

در مقدمه جلد اول دفتر دکترسایی ها در غزل‌های حافظ که در سال ۱۳۷۳ در کوشش انتشارات سروش به چپ رسید درباره فرق «شش» با «شش» توضیحی در نمایش است. که قصمتی از آن به این شرح است:

در واقع همین بالا با پایین‌بودن یک نقطه است که در این بیت سیاه‌سیاه‌سیاست می‌باشد. اظهار این قبیل شکوه‌ها که سریس کار از متنی از جمله (در مقوله فعل برکنار) عمیق آورده، جذاب روح و دلایل صحبت و گفتارهای ارائه نمی‌دهد، اما با استفاده از نسخه‌های پیشنهادی که در این بیت «شش» نوشته، ساختار بیان نظر و همیشه می‌شود و به جای اظهار شکوه و دلاغی از افراد بیش، ان سیاست بیان و خنال خاص طنزگونه حافظ اشکی می‌گردد. می‌گوید با وجود اینکه در بیت و سرگردانی به سر می‌برم، اما چنین از متن نمادان، زیرا هرچه از دل و جان کاسته در عوض به غم افوده است. این ذکر تقابل میان کاستن از دل و جان و افزودن
نخشیدن نقطه در قرآن کلمه و تأثیر آن در سوق معنا، شعر حافظ، ص ۱۴۶-

غما واوجود کلمه از چون در وسط مصاعب دوم تأیید و تصريح می‌کند. قدیمی‌ترین از گما
همان جنبه طنز و تعریض چند جای می‌گردد در غزل حافظ دیده می‌شود. منند این
بت. چه شکر کوچیکی ای خیل غم عفانامه! خسرو پروپا از مورخ (سزاری، ۱۳۱۹، ص ۳۱۱).

در حافظ فی سبیع سایه، که در سال ۱۳۷۳ منتشر شد، مصحح بی‌ذکر نتیجه «نشد» بیت
را به صورت «با چنین حیرت از دست نشد قرآت» در متن دیوان درج کرده است. در
پایه مربوط به نسخه‌بندی‌های این غزل پیش‌نویس قرآت از دست نشده و نسخه‌ای شماره
۷ (مورخ ۱۳۳۱) معرفی شده و در مقدمه دیوان درباره دلیل ترجمه این قرآت به قرآنت از
دست پرداز» که متنی بر شک نسخه است توضیحی افزوده نشد و است (ابن‌نماج، ۱۳۶۲؛

در سال ۱۳۷۸ دیوان حافظ براساس متن جاب علامه قزوینی، با تفکیک از جهان متن
چایی‌دیگر به تصحیح هاشم جاوید و به‌علاوه خرمشاهی منتشر شد. در متن غزل
۳۱۱، همان قرآت: «با چنین حیرت از دست بپید صرفة کار» درج شده و در حاشیه ضمن
توییب‌کردن در مقایسه معنای بیت براساس مضمون غزل قزوینی و خرمشاهی و ضبط گزارش
نیسابور و سابه، بیشتری‌ها است که اگر هر دو ضبط را با هم بایندیم، چنین
می‌شود: «با چنین حیرت از دست نشد صرفة کار» (معنی: من خبره در کار، عشق با
خبری‌نه که دارم با هم زبان نکردمهم) (ناوید، ۱۳۷۸، ص ۳۲۷). در نتیجه است که در
هیچ‌کلیک از نهج نسخه خطی (سایه دیگر قروانیها) چنین قرآنتی درج نشده است.

در سال ۱۳۸۴ کتابی دیگر عناوین حافظ برتر کدام است؟ نوشته رشید عبودی، منتشر
شد. در این کتاب درباره اختلاف دو کلمه «خریرت» و «خریرت» در بیت پیش گفته چنین
استنتاج شده است:

هرچه می‌اندیشیم جز وازه «خریرت» وازه دیگری در این بیت مناسب‌تر ندارد. «خریرت» هم
با اجرای بیت معنی «صرفه کار» و «نوورود» و «کاستن» مناسب است و هم با معنی
بنی دوم غزل معنی «عافیت و رنگ و تبریزام و می‌گویم فش» با ظریف‌ترین نکات مزبور
اختیار ضبط یک نسخه، را در این مورد صحیح دانستیم و در متن «خریرت» از در
در این کتاب درباره اختلاف مفهوم فعل «مشش» با «مشش» در جواهر کلمات، فیبری این بیت
توضیحی داده نشده و بیت مزبور به این صورت ضبط بستری شناخته شده است:
با چنین حیرت از دست بپید صرفة کار
در غزل قزوین «مشش» در جواهر کلمات، فیبری این بیت.
(عیوضی، ۱۳۸۴، ص ۳۴۷-۳۴۸)
نمونه دوم: «عبوس زهد به وجه خمار نشیند» یا «بنشیند»؟

خطری در جلد دوم دیوان حافظ در «بعضی از لغات و تعبیرات» ذیل عنوان

عبوس زهد نوشته‌اد: 

عبوس زهد به وجه خمار نشیند

در آخر مسیر زود در این بیت تصحیح قبایل کرده و به خلاصه نشانه‌ها که این کلمه را
بنشیند» نیست کرداران. صورت «بنشیند» را ترجیح دادند، زیرا که به گمان من معنی بیت
این است که زهد از عوبس به عنوان اخلاق، است. مانند مردمان خارجی جلوهٔ می‌کند.

برخلاف فرقة در دیوان که خوش‌خوننده» (نال خانلری، ۱۳۶۷: ۲۰۷) در مقدمه دیوان حافظ به سعی سایه نوشته‌شده است: ".. گمان می‌کنم صورت بیت با
قول «بنشیند» صحیح باشد. «بنشیند» هم مفهوم فعل مضارع (النزاوی‌الخبار) را
می‌رساند و هم صفت دعاایی (بنشیند) را به ذهن می‌آورد و شادی «وجه خمار نشیند»
معادل همین اصطلاح امروزی باشد که می‌گویند خماری بکشد. در این صورت دیگر
احتشاج نخواهد بود که عوبس را با ضم اول و به معنی نشده‌ای بخوانیم. همین مطلب را
سال‌ها بین شاهدان استند خالقی در میان گذاشتم و تصحیح قبایل ایشان گویا تأیید
این حس دارد است» (ینه‌ثانی، ۱۳۷۲: ۲۵ مقدمه).

در دیوان حافظ با قرانت گزینی هاشم جاود و به‌علی‌الدین خرمشاهی نیز در این بیت
قران «به وجه خمار نشیند» برگزاری‌های است. 

در مقابل این باید، که در این بیت قرانت «به وجه خمار نشیند» را برگزیده، در
سه منو دیگر (چاب علامه فروینی، دیوان حافظ براساس نقشه‌های خلیف سده نهم،
۱۳۷۷، و دیوان حافظ به صحیح رشید عبوضی، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۵) عبارت «به
وجه خمار نشیند» درج شده است.

گزارش دفتر دیارسالنی چنین است که در مجموع ۳۳ نقشه خلیف سده نهم که این
بیت در آن نقشه‌ها نقل شده است، کتاب نقشه‌خانه‌ی نقل‌شده پایان دو حرف آخر در
کلمه «بنشیند» گذاشته است؛ در نقشه لد دو حرف اوایل نقشه است. کتابنامه ۳۱ نقشه
دیگر به طور واضح «بنشیند» نوشته‌اند و در هیچ نقشه خلیف «بنشیند» گذاشته است
(ینه‌ثانی، ۱۳۸۵: ۲۰۷۲/ ۱۳۶۷: ۲۰۷).

در واقع از نظر حافظ کلمه «خمار» تعبیر نوعی مسئله است که حالات استثنا و
انظار و طلبد من را در پی دارد: دریخمار کسی جریه‌ای نمی‌بیند. این حالات خماری‌گاهی
هم خوش و مطبوع توصیف‌شده است: «که مسئنی‌که با عقل و مسئنی‌خمار خوش».
نشبکه توسعه در قران، کلمه و تأثیر آن در سوق معنایی شعر حافظ، صص. 16-17
از این رو یافته‌های حافظ و حالات خمیار ناشی از مسئله‌ی کیفیتی نیست و نقش‌تاند در یک چهره جمع شود. معنی بیت ای نست که ترسره‌ی زده به جهار خمیار نیستند، معنی باهم جوز نیست و چا نمی‌افتند. ضبط بیشتر نسخ در این بیت «نششینه» واقع به مقصود است و نیازمند تصمیم قیاسی نیست.
نمونه سوم: «تو مگر بر لب آبی به هوس نشینی؟» یا «نششینه؟»
در چاب علامه قزوینی مطلع غزل شماره ۴۸۴ به این صورت درج شده است:
تو مگر بر لب آبی به هوس نشینی
ورن هر فتنه که بینم همه از خود بینی
در پاویق افزوده شده است:
چنین است به این فعل در جمع نسخ خطي که نزد این جانب موجود است، از قدم وجدید جدا است، بعضی نسخ چایی: «نششینه» (با نون) و این تحریف است ظاهر ومقصود شعر واضح است. معنی اگر خواهی که فتنهای که در جهان از برخاستن خود یا برخاستن در حال شعار یا شعر یا سایر اثرات دارد، یا اگر خبریزی، هر فتنه که بینی همه از خود بینی و این مضمون است برخاست شایع نزد شعراء. سعیدی گوید:
به‌ینیک، پسی ای فتنه که برخاست فیاغت، فتنه نادر، به‌ینیک، جنو نموده‌ی فیاغت باز
و نیز گوید:
ای آتش خزمان هر دوم
به‌ینیک، هر فتنه، برخاسته,
در دیوان حافظ، چای خرایری بیش به همین صورت: «به هوس بنشتینه» نقیش هده است، در گزارش‌های حافظ براساس جدول‌ته‌نگه، نسخه خطی سعید، نیش (۱۷۱) و در حافظ به سعی سایه:
در این مصور: «به هوس نششینه» قید شده و در مقدمه این توضیح افزوده شده.

است:
در نسخه‌ها هر دو صورت: «نششینه و نششینه» آمده است و پیش از نششینه تصویب
است. نهایت معنی‌زده خد در پیت معنوی می‌کند که صحیح از نششینه نیست، که به قاچ حافظ و رواجش از نسخی می‌دهند و آن مضمون بسیار رایج نزد شعراء ریپی به مضمون این بیت تدارد، و گردن بر لب آبی به هوس نشست، درکر اکثر نشسته (۱۷۱). در دیوان حافظ، قرائت هنوز انتقادی به کوشش های فیاغت و باهالدین خرایشی، برای
من مضره لای سایر بیت قرائت: «به هوس نششینه» اختیار شده است و در پاویق این شرح
افزوده شده است.

باشد که بر لب جویی به هوس نشست، و عشرت بنشتین نا فتنه‌ها به بنشتین وگرنه اگر
تعارض در معرفی ضبط نسخه‌های خطی و احتساب آمار ضبط آثار نسخ

در مقدمه دفتر دکترسالی‌ها در عزله‌ها حافظ دربار تشخیص ضبط اکثریت نسخه این

توضیح آمده است:

اصطلاح «ضبط اکثریت نسخه» در شرایطی مفهوم عینی دارد که ضبط همه نسخه‌های

خطئ (سیده تهم) که در هر مداخل دخالت دارد در جوار همدیگر مورد بررسی قرار گیرد.

هر بررسی و مقایسه قرآن‌ها که براساس تعداد محدود و معنی‌مند از نسخه‌ها مطرح‌شد.

نتیجه اکثریت مرجعی را ارائه می‌دهد که ممکن است استفاده از مجموع متفاوت در آن

مدخل، آن گزینه متداول که در حالی نزاع قرار دهد (دی‌داری، ۱۳۸۵:۱۶).

مراقبت گزارش مصوب‌اند دیوان حافظ دربار قرآنت «بنی‌سنتی» با «بنی‌سنتی» برای

روابطی با چنین حالات مصدقی روشی منظور می‌گردد:

این غزل با مطلع «موک بر با به‌وسیه‌ی بنی» در جواب خلقتی مستند بر ده نسخه

است. در ضمن توضیح اختلاف نسخه‌ها به‌رای چهار نسخه ضبط متفاوتی قبید شده و

درنتیجه قرآنت «به‌وسیه‌ی بنی» در این غزل گزارش منظور گردد.

اکثریت نسخه منظور گردد.

در چاب سالی برای این غزل شانزده متن معروف شده است، ولی پستونت قرآنت متن

(مه‌وسیه‌ی بنی) تنها با شناسایی دو منبع مشخص شده است. یعنی همان دو منبعی که

در چاب خلقتی ضبط ارگه یا به شناسایی «الف، م، بنی‌سنتی» معروف شده است.

در کتاب حافظ برتر کتاب است. ضمن یک اختلاف نسخه دربار ضبط این پیت

چنین نشانی‌ها است که از آن نسخه کهن، شش نسخه صریحاً «بنی‌سنتی» دارنده، دو

نسخه نظرن فرع نظیر پری ضبط نکرده‌ند و آنها» یک نسخه «بنی‌سنتی» دارد (عوضی،

۱۳۸۴. ۵۳۷-۵۴۳).

اگر همین مقدار معلومات در اختیار یوزده متن غزل‌های حافظ قرار بگیرد، طبعاً

است که قرآنت «بنی‌سنتی» می‌تواند مطابق با قرآنت «بنی‌سنتی» با

پستونت تنها یک نسخه در اقلیت محض قرار می‌گیرد.
نتیجه گیری

مطابق آنچه بحث شد، اگرچه محدودی از کتابان باسوا و مسلط به اصول و مبانی تحریم‌گر زبان فارسی در کتابت متن که مربوط به پرهیز از خطا و اشتباه بوده‌اند، به نظر می‌رسد که باه به سبب شتاب کاری یا بدلگی بی‌کاری به نقشه، حذف بعضی نقطه‌ها و ناماد در درج نقشه در جامعه صحیح آن برای برخی کتابت‌های عادی بوده است؛ این ناماد و عدم تقدیم در درج نقشه، مصححان دیوان حافظ را بهره‌های هنگام استفاده به ضبط نسخه‌های خطی با اشکال مواده می‌کنند؛ به طوری که گاهی شخصی صحیح کلمه را حتی براساس روش تصحیح قبیل سبیل درشانیکی و ناممکن می‌سازد. همان‌گونه که در مقاله حاضر درباره تصحیح تبلیغاتی که نمونه از این درد اغلب درون حافظه محسن که براساس روش‌های علمی به مجموعه نسخه‌های خطی همراه با موارد تشخیص که جدلی می‌توان آن را بررسی کرد، ناباید به هر حال، حق خاص و طنزگون حافظ و معنا کلمات در قاموس دیوان حافظ و اساساً عزیزه‌های سبکی غزل حافظ نیز توجه ویژه داشته باشیم.

پیوند

1. ر. ک. نیسایر، ۱۳۸۵: ۱۲۸، توضیح آنکه: «مخفف نسخه خطی با تاریخ کتابت ۸۲۱ هجری قمری، »وسیع مخفف نسخه خطی با تاریخ کتابت ۸۶۴ هجری قمری»، خوش مخفف نسخه خطی با تاریخ کتابت ۷۸۸ هجری قمری»، خوش مخفف نسخه خطی با تاریخ کتابت ۷۴۹ هجری قمری»، خوش مخفف نسخه خطی با تاریخ کتابت ۸۱۴ هجری قمری»، خوش مخفف نسخه خطی با تاریخ کتابت ۷۹۶ هجری قمری»، خوش مخفف نسخه خطی با تاریخ کتابت ۸۴۹ هجری قمری»، خوش مخفف نسخه خطی با تاریخ کتابت ۸۱۲ هجری قمری»، خوش مخفف نسخه خطی با تاریخ کتابت ۸۲۲ هجری قمری»، خوش مخفف نسخه خطی با تاریخ کتابت ۸۱۹ هجری قمری»، خوش مخفف نسخه خطی با تاریخ کتابت ۸۲۱ هجری قمری»، خوش مخفف نسخه خطی با تاریخ کتابت ۸۲۳ هجری قمری»، خوش مخفف نسخه خطی با تاریخ کتابت ۸۲۴ هجری قمری»، خوش مخفف نسخه خطی با تاریخ کتابت ۸۲۵ هجری قمری»، خوش مخفف نسخه خطی با تاریخ کتابت ۸۲۶ هجری قمری»، خوش مخفف نسخه خطی با تاریخ کتابت ۸۲۷ هجری قمری»، خوش مخفف نسخه خطی با تاریخ کتابت ۸۲۸ هجری قمری»، خوش مخفف نسخه خطی با تاریخ کتابت ۸۲۹ هجری قمری»، خوش مخفف نسخه خطی با تاریخ کتابت ۸۳۰ هجری قمری»، خوش مخفف نسخه خطی با تاریخ کتابت ۸۳۱ هجری قمری".
زبان و ادبیات فارسی، سال ۲۱، شماره ۲۵

۳. رک. فروردین ۱۳۴۹، ۲۸-۳۰، توضیحات ایبک هم، «د» و «ب» به ترتیب مخفف نسخه خطی با تاریخ
کتاب ۸۲۳ هجری قمری، نسخه خطی با تاریخ کتاب احتمالی نیمه اول قرن دهم هجری قمری و نسخه
حصولی با تاریخ کتاب احتمالی نیمه دوم قرن دهم هجری قمری است.

منابع

ابن‌هاج، هوشنگ (۱۲۷۷) حافظ به سعی ساود، تهران: هوش و ابتكار و پارس و جراغ
ابن‌هاج، ابراهیم (۱۳۴۸) دیوان کهله حافظ. تهران: این سیما
جاوده، هاشم و بهاءالدین قربانی (۱۲۸۷) دیوان حافظ. تهران: فرمان
عباسی، رشید (۱۳۸۴) حافظ برتر کدام است. تهران: امیرکبیر
فرزاد، مسعود (۱۳۴۹) حافظ صحت کلمات و اصالت غزل‌ها، شیراز: دانشگاه شیراز
قزوینی، محمد و قاسم غنی (۱۳۲۰) دیوان خواجه شمسالدین محمد حافظ شیرازی، بی‌پنا
نائل خاطری، پرویز (۱۳۴۲) دیوان حافظ. چاپ دوم. تهران: خاورزمی
نیساردی، سليم (۱۲۷۱) غزل‌های حافظ براساس خیال و سه نسخه خطی سده نهم. بی‌پنا
نخستین نسخه خطی (۱۲۸۵) دفتر دیگر سالیحا در غزل‌های حافظ. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.